

نفر به نفر

هومن جعفری
خبرنگارمارکت زمستانی
و دست خالی ما

بعد از یکی دو جام جهانی خوش‌ترانسفر، شاید انتظار داشتیم وضع تیم ملی بعد از جام جهانی قطر بهتر از قبل هم باشد منتهی تا اینجا که نشانه‌های پیش‌بازار ژانویه برای ما اصلاً مطلوب نیست. هر چند تا پایان بازار باید صبر کرد و بعد از بسته شدن پنجره زمستانی به قضاوت پرداخت اما نشانه‌ها از یک نقل و انتقالات خوب خبر نمی‌دهند. تا اینجا، تنها یک کارت برنده در بازار زمستانی داریم که آن هم مهدی طارمی است که باشگاهش قصدی برای فروش او ندارد! آزمون وضعیتش مطلوب نیست. جهانی‌بخش و قدوس مشتری‌ان خاصی ندارند. در بقیه خطوط هم بیشتر در حال درجا زدنییم تا در حال پیشرفت! شایعات از این حکایت دارند که عمده لژیونرهای ما حتی اگر بتوانند در تیم فعلی خود بمانند، باید کلاهشان را هوا بیندازند چه برسد به اینکه بخواهند ارتقای تیم هم داشته باشند!

روزبه چشمی و رامین رضاییان به همراه طارمی زنده گل‌های ما در جام جهانی هستند. چشمی در بهترین حالت شاید از کشورهای حاشیه خلیج فارس پیشنهادی گیرش بیاید. رضاییان هم که در سپاهان ماندنی است!

برای بازگرداندن وضعیت بازار به سود خودمان می‌توانیم کارهای زیادی انجام بدهیم منتهی مشکل اینجاست که نه این راه‌ها را بلدیم، نه اراده‌ای برای انجام دادنش داریم و نه علاقه داریم انجامش دهیم. فقط کافی است با یک یا چند واسطه درجه سه فوتبال اروپا ارتباط بگیریم و از او بخواهیم برای ما ۲۰ تا ۳۰ بازیکن ایرانی را به باشگاه‌های مختلف انتقال بدهد. با باشگاه‌ها و با ایجنت‌های ایرانی صحبت کنیم که دندان‌گردی نکنند و اجازه بدهند دوباره سهمی از بازار مال ما شود کما اینکه با این نرخ دلار هر قراردادی ببندیم، سود است!

ما جام جهانی را باختیم. بازار بعدش را هم تا اینجا به شدت باخته‌ایم.

خشکسالی و دروغ

سعید آقایی
روشنه‌نگار ورزشی

این کویر پایانی ندارد. کویری که سال‌هاست فوتبال ایران را در بر گرفته و سبب شده هیچ گل و سبزه‌ای در این برهوت رشد نکند. حتی گل‌ها و سبزه‌های خودرو. سال‌ها عادت کرده بودیم که این مزرعه بدون باغبان، بدون بذر، بدون نگهداری، بدون برنامه، بدون آب و رسیدگی، خود از درون خود زایش داشته باشد و چندین و چند محصول درجه یک تحویل دهد. کشت دیم همیشه در این دیار مقبولیت و اهمیت داشته و روحیه آسان‌گیر جامعه ایرانی به این نوع

پاروری و محصول علاقه داشته و به آن تاسی می‌کرده. رویشی عجیب که اتفاقاً همیشه محصولات درجه یک تحویل می‌داده اما مدت‌هاست دیگر از کشت دیم هم خبری نیست. گویی آفت به مزرعه فوتبال زده و ریشه فوتبال را از بیخ و بن سوزانده. به گونه‌ای که نه از تاک نشانی مانده و نه از تاکستان. مزرعه فوتبال مدت‌هاست خشکیده و هیچ محصول دندان‌گیری به دست نیامده. همین خشکسالی است که سبب شده بازیکن ۳۸ ساله بعد از یک فصل گوشه‌نشینی یک پیشنهاد لیگ برتری داشته باشد. این البته مشت نمونه خرور است. در لیگ ستروان و بدون زایش، ستاره‌ها هنوز هم نام‌های تکراری سابق هستند. آنها که

رنگ موهایشان مدت‌هاست سفید شده و گرد پیروی روی سر و صورتشان نشسته اما هنوز هم در لیگ توپ می‌زنند و البته خریدار دارند. تقریباً تمام ستاره‌های این لیگ خشک و لم یزرع بالای ۳۰ سال هستند و در پیرانه‌سری و آستانه آویختن کفش‌ها در لیگ انگشت‌نمایند. لیگی که پیرمردهایش هنوز جنس روز بزارند و هیچ تازه‌واردی وجود ندارد که عرصه را بر آنها تنگ کرده و میدان را از آنها بگیرد.

نتیجه این لیگ بی‌محصول و لم یزرع را باید در جام جهانی دید. آنجا که تیم ایران تکراری‌ترین تیم جام نسبت به دوره گذشته بود و بیش از ۸۰ درصد عناصرش همان‌هایی بودند که در روسیه ۲۰۱۸ حضور داشتند. طعنه‌آمیزتر اینکه ایران پیرترین

تیم جام لقب گرفت که میانگین سنی‌اش از همه تیم‌های جام بیشتر بود و همین المان منفی بزرگ یکی از دلایل ناکامی ایران در قطر ۲۰۲۲ به شمار می‌رفت. این تیم کهنسال و فرتوت که از دقیقه ۷۰ روی زانو راه می‌رفت، بدیهی بود که نفراتش هیچ مشتری خاصی نداشته باشند چرا که هیچ تیمی در دنیا برخلاف ایران برای پیرمردها دست به جیب نمی‌شود؛ حتی تیم‌های بی‌کیفیت عربی. حتی به دروغ نیز این پیرمردها مشتری ندارند. طعنه‌آمیز اینکه همان لژیونرهای نصفه و نیمه‌ای که در تیم‌های درجه ۳ اروپایی توپ می‌زنند، یکی یکی در حال بازگشتند. قسه‌ای که به نظر می‌رسد با میلاد محمدی آغاز شده و حالا حالاها ادامه خواهد داشت.

بازیکنانی که گل‌دن تایم آنها تمام شده است

نسل سوخته!

وسط میدان را
دادیم رفتسینا فتوت
خبرنگار ورزشی

معلوم نیست امسال در بازار نقل و انتقالات صادرات ایران به دنیا چه باشد و کدام بازیکنان را ترانسفر کنیم. تا اینجا مارکت به ما و بازیکنان ما روی خوشی نشان نداده. یادش بخیر! عمده صادرات ما به تیموریان (سرزیک) تا منصوریان، مهدوی کیا، کریمی، باقری، آندو، امامی‌فر، یزدانی و... تنها بخشی از صادرات ما در خط میانی به اروپا بودند. بماند که دهها هافبک مثل کاویانپور، جواد کاظمیان، روزبه چشمی، علی کریمی و نفرات دیگر را به کشورهای حاشیه خلیج فارس اعزام کرده بودیم. چند وقتی است روند صادرات بازیکنان میانی ما به شدت کاهش پیدا کرده ضمن اینکه اصولاً در پرورش بازیکنان خط میانی ضعیف عمل کرده‌ایم. در جام جهانی بیش از هر زمان دیگری دریاقتیم و درک کردیم که چقدر ضعیف شده‌ایم. واقعا می‌شود گفت که دیگر هیچ هافبک میانی در قواره فوتبال دنیا نداریم. بازیکنان میانی ما در بهترین حالت بتوانند به لیگ‌های قطر و امارات سری بزنند. در بقیه مارکت‌ها شانس چندانی نداریم. دیر یا زود برگشت خوردن لژیونرهای ما آغاز می‌شود و این بد است. خیلی بد!

تیم آنها هست یا نه؛ البته گاهی یک مربی حین تماشای یک یا دو مسابقه، نکاتی در می‌توانستیم در جام جهانی ۲۰۱۰ بدرخشم که تیم ایران به این جام صعود نکرد.

حضور در برزیل و فشار تمرینات با بدن من سازگار نبود و شک نداشتم که آسیب جدی می‌بینم و سال‌های پایانی فوتبالم با یک تصمیم غلط تباه شود. از طرفی جای من، یک جوان فرصت دیده شدن در جام جهانی را پیدا کرد.»

البته از این نکته غافل نشویم که جام جهانی و درخشش در دو، سه مسابقه ملاک باشگاه‌های اروپایی برای جذب بازیکن نیست. حتی اگر تیم ایران در قطر از گروه خود صعود می‌کرد و مثل ژاپن، کره و استرالیا به مرحله یک هشتم هم می‌رسید، باز هم بعید بود که بازیکنی از این تیم به اروپا برسد. مربیان اروپایی در ۵ لیگ بزرگ -تاپ فایو- از چند سال جوتویک بازیکن را زیر نظر می‌گیرند و با سنجیدن عملکرد باشگاهی چه داخل خانه و چه بیرون از خانه در لیگ، بازی‌های ملی متعدد و حضور در تورنمنت‌های بین‌المللی نظیر لیگ قهرمانان آسیا به این نتیجه می‌رسند که بازیکن مورد نظر صاحب کیفیت‌های لازم برای بازی در

آن تصمیم این‌طور توضیح داد: «گل‌دن تایم من سال ۲۰۰۶ بود که رباط پاره کردم. می‌توانستیم در جام جهانی ۲۰۱۰ بدرخشم که تیم ایران به این جام صعود نکرد.

حضور در برزیل و فشار تمرینات با بدن من سازگار نبود و شک نداشتم که آسیب جدی می‌بینم و سال‌های پایانی فوتبالم با یک تصمیم غلط تباه شود. از طرفی جای من، یک جوان فرصت دیده شدن در جام جهانی را پیدا کرد.»

البته از این نکته غافل نشویم که جام جهانی و درخشش در دو، سه مسابقه ملاک باشگاه‌های اروپایی برای جذب بازیکن نیست. حتی اگر تیم ایران در قطر از گروه خود صعود می‌کرد و مثل ژاپن، کره و استرالیا به مرحله یک هشتم هم می‌رسید، باز هم بعید بود که بازیکنی از این تیم به اروپا برسد. مربیان اروپایی در ۵ لیگ بزرگ -تاپ فایو- از چند سال جوتویک بازیکن را زیر نظر می‌گیرند و با سنجیدن عملکرد باشگاهی چه داخل خانه و چه بیرون از خانه در لیگ، بازی‌های ملی متعدد و حضور در تورنمنت‌های بین‌المللی نظیر لیگ قهرمانان آسیا به این نتیجه می‌رسند که بازیکن مورد نظر صاحب کیفیت‌های لازم برای بازی در

گل محمدی، بختیاری زاده، مهدوی کیا و علی کریمی در ترکیب اصلی و روی نیمکت جواد نکونام، آندو تیموریان، جواد کاظمیان، امیرحسین صادقی، مهرداد معذنجی و... بود که با پایان جام، نکونام به اوساسونا رفت و آندو تیموریان سر از پریمر لیگ درآورد و با بولتون قرارداد بست. ترانسفر این دو بازیکن، نتیجه حضور بازیکنان جوانی بود که برانکو با خود به آلمان برد. آن تیم می‌توانست لژیونرهای بیشتری داشته باشد و اگر مجتبی جباری در اردوی پایانی در سوئیس رباط پاره نمی‌کرد و به آلمان می‌رسید، احتمالاً پایک تیم ایتالیایی در سری آ قرارداد می‌بست. توافق او پیش از جام جهانی انجام شده بود اما جباری امیدوار بود که با درخشش در آلمان، قرارداد بهتری امضا کند.

از جباری صحبت شد؛ وقتی از جباری پرسیدم که چرا پس از صعود به جام جهانی ۲۰۱۴ به کی‌روش اعلام کرد که نمی‌خواهد در لیست مسافران برزیل باشد، پاسخ جالبی داشت. مجتبی با در نظر گرفتن تمام مسائل به این نتیجه رسیده بود که جام جهانی هیچ سودی برای او ندارد و ممکن است با آسیب‌دیدگی به فوتبال و قرارداد خوبش با الاهلی قطر پایان دهد. جباری درباره

سعید زاهدیان
خبرنگار ورزشی

بازیکنان ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ را مقایسه کنید با نفرات حاضر در جام ۲۰۱۸؛ ذره‌های تغییر نمی‌بینیم. حتی بازیکنانی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر برای ایران بازی کردند که سابقه حضور در جام ۲۰۱۴ برزیل را هم داشتند. به همین یک دلیل، بازیکنان ایران هیچ افق و دورنمایی برای ترانسفر شدن و حضور در لیگ‌ها و تیم‌های خوب اروپایی پیش روی خود نمی‌دیدند.

براساس آمار فیفا، ایران با میانگین ۳۰ سال سن، پیرترین تیم در جام جهانی قطر بود و از چنین تیمی بعید است که بازیکنی ترانسفر شود و تنها به واسطه قرار گرفتن در ویتنر جام جهانی، توجه باشگاه‌های اروپایی را جلب کند.

بگذارید با دو مثال، بحث را کمی بیشتر باز کنیم و گسترش دهیم؛ در جام جهانی ۲۰۰۶، تیم ایران متشکل از بازیکنان با سن گذشته‌ای نظیر د ا پی،

جام بی‌دستاورد

امیررضا همایون
خبرنگار ورزشی

جام جهانی فوتبال در هر دهه‌ای و پیرترین فوتبال کشورها است و بازیکنان تیم‌های ملی به امید رسیدن به لیگ‌های خارجی و لژیونر شدن به جام جهانی می‌روند. اتفاقی که در کشور ما به نظر برعکس است. حضور تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نه تنها کمکی به افزایش سطح فنی بازیکنان و لیگ برتر فوتبال کشورمان نکرده، بلکه لژیونرهای نصفه و نیمه

ایران نیز در حال بازگشت به لیگ داخلی هستند؛ آنچه نشان می‌دهد حضور تیم ملی در جام جهانی قطر فارغ از بحث‌های فنی که هیچ دستاوردی برای فوتبال کشورمان نداشت، در حوزه ترانسفر بازیکنان به لیگ‌های خارجی از همین رو می‌توان گفت حضور تیم ملی در بیست و دومین دوره جام جهانی فوتبال بی‌دستاوردترین تورنمنتی بوده که تیم ملی ایران طی چند سال اخیر در آن حضور داشته. در ادوار گذشته که تیم ملی در جام جهانی حضور پیدا می‌کرد، حداقل برخی از بازیکنان حاضر در ترکیب آن تیم به لیگ‌های خارجی ترانسفر می‌شدند و هواداران فوتبال باوجود ناکامی در جام جهانی به این نکته دل خوش بودند. اما این دوره همان ترانسفر حداقلی هم وجود ندارد تا در بیایم که فوتبال ایران تهی‌تر از گذشته شده و تنها باید لیگی برگزار کنیم که هیچ خروجی ندارد. این موضوع زمانی غم‌انگیزتر می‌شود که در بیایم بازیکنی پا به سن گذشته مانند محمدرضا خلعتچی برای بازگشت دوباره به لیگ برتر با یک تیم مذاکره می‌کند؛ آنچه خود گویای همه چیز است.

مهندسی معکوس

ایمان گودرزی
خبرنگار ورزشی

جام جهانی به عنوان بزرگترین تورنمنت ملی جهان همیشه جایی برای دیده شدن بازیکنان کم نام و نشان دنیای فوتبال به حساب می‌آید به طوری که درخشش در این بازی‌ها ممکن است بازیکنان را با پیشنهادات بزرگ از تیم‌های سراسر جهان روبه‌رو کند تا بتوانند ادامه راه حرفه‌ای خود را تضمین کنند. در دوره‌های گذشته بازیکنان ایرانی نیز بعد از جام جهانی با پیشنهادهای تیم‌های مختلف در جهان روبه‌رو می‌شدند اما به نظر می‌رسد شرایط در این دوره کاملاً برعکس پیش رفت. در ابتدای فصل بازیکنان لژیونری